



Investigating Challenges of Question Design (Istintāq) and Its Completion Strategies in Qur'anic Thematic Interpretation

Mohammad Ali Dolat¹
Sayed Mahdi Rahmati²

Received: 23/10/2021
Accepted: 19/02/2022

DOI: 10.22051/TQH.2022.38228.3408

Abstract

Thematic interpretation, as a solution proposed by Martyr Sayed Muhammad Baqir Al-Sadr for active confrontation with the Qur'an and discovering its theory on various topics and issues, has different levels, the main focus of which is question design (Istintāq). Despite the widespread acceptance of this approach by contemporary Qur'anic scholars and the production of many works with an interpretive approach, some of its shortcomings may challenge the "Qur'anic nature of the researcher's effort." Despite the efforts of some experts to refine and complete this approach, due to the lack of focus on the focal points in the challenges of thematic interpretation, critical readings of the process of question design and the proposed strategies for the fulfilment of Qur'anic theorizing have not been entirely successful. Based on the analytical descriptive method, this research studies three key harms including passivity in the face of the issue and problem, lack of a comprehensive plan to refer to the whole Qur'an, and the failure to explain the position of Ahl al-Bayt (AS) in understanding the Qur'an. There are three ways to eliminate these harms: First, before entering into interpretation, we should present the paradigm of subject and issue to the Qur'an. Secondly, we need to find a broad Qur'anic implication by reviewing all the Qur'anic verses. Finally, for initial understanding of the verses and completing and developing the concepts resulting from the Qur'anic study and recognizing the relevant practical dimensions, we should refer to the narrations.

Keywords: *Thematic Interpretation, Sayed Muhammad Baqir Al-Sadr, Question Design (Istintāq), Paradigm Research of Rival's Theories, Broad Qur'anic Finding Implication.*

¹. Research Assistant Professor, Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran. (The Corresponding Author); Email: m.dolat@sccr.ir

². Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, University of Gonbad Kavoods, Iran; Email: rahmati@gonbad.ac.ir



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام علیها)

سال نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱، پیاپی ۵۵

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۷۲-۴۹

بررسی چالش‌های استنتاج و راهکارهای تکمیل آن بر اساس خوانش‌های تفسیر موضوعی

قرآن

محمدعلی دولت^۱

سید مهدی رحمتی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

DOI: 10.22051/TQH.2022.38228.3408

چکیده

تفسیر موضوعی که به‌عنوان راهکاری برای مواجهه فعال با قرآن و کشف نظریه آن درباره موضوعات و مسائل مختلف از سوی سید محمد باقر صدر پیشنهاد شده است، مراحل مختلفی دارد که محور اصلی آن، استنتاج است. به‌رغم مقبولیت گسترده این راهکار نزد قرآن‌پژوهان معاصر و تولید آثار فراوانی با رویکرد تفسیری، پاره‌ای از کمبودها در آن وجود دارد که «قرآنی بودن نتیجه تلاش پژوهشگر» را زیر سؤال می‌برد. با وجود تلاش‌های برخی از صاحب‌نظران برای اصلاح و تکمیل این رویکرد؛ به‌دلیل عدم تمرکز بر نقاط کانونی در چالش‌های تفسیر موضوعی، خوانش‌های انتقادی نسبت به فرایند استنتاج و نیز فرایندهای پیشنهادی برای تحقق نظریه‌پردازی قرآنی، توفیق کامل نیافته است. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این امر می‌پردازد که گستره این تفسیر تا کجاست و چه آسیب‌هایی دارد؟ نتایج حاکی از آن است که انفعال در برابر موضوع و مسئله، فقدان طرحی جامع برای مراجعه به همه قرآن و عدم تبیین جایگاه عترت در فهم قرآن، سه آسیب کلیدی است و برای رفع این آسیب‌ها لازم است اولاً: پیش از ورود به تفسیر، پارادایم موضوع و مسئله به قرآن عرضه شود؛ ثانیاً با عدم اکتفا به بررسی کلیدواژه‌ها و فرمول‌ها، دلالت‌یابی جامع قرآنی با مطالعه و استنتاج از همه آیات قرآن صورت گیرد؛ ثالثاً در مقام فهم ابتدایی آیات و نیز تکمیل و توسعه مفاهیم حاصل از مطالعه قرآنی و شناخت ابعاد عملی مربوطه، به روایات مراجعه شود.

کلیدواژه‌ها: تفسیر موضوعی، سید محمدباقر صدر، استنتاج، پارادایم پژوهشی، نظریه‌های رقیب، دلالت پژوهشی جامع قرآن.

m.dolat@sccr.ir

۱. استادیار پژوهشی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

rahmati@gonbad.ac.ir

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه گنبد کاووس، گلستان، ایران.

مقدمه

بسیاری از روش‌های مطالعاتی و پژوهشی در فهم و تفسیر منابع دین، صرفاً در کشف و استنباط احکام فقهی و اخلاقی و محدوده‌ای اندک از معارف اعتقادی کاربرد دارد و به‌سختی می‌توان از این روش‌ها برای فهم و تفسیر پدیده‌های خارج از متن دین بهره‌برداری نمود. از این‌روی، یافتن روش‌هایی در استنباط دیدگاه اسلام (فرا تر از نگاه فقهی و عرفی) نسبت به موضوعات مختلف، که مبتنی بر منابع اصلی آن، یعنی قرآن و احادیث باشد، نخستین گام برای گسترش معارف و دانش‌های دینی از آموزه‌های اختصاصی دین به سایر حوزه‌ها است. در طول تاریخ امت اسلامی، روش‌های رایج تفسیری که در مقام بهره‌برداری از تعالیم قرآن به کار گرفته شده، عموماً بر اساس مطالعه انفعالی و مروری بوده که مفسر و قرآن‌پژوه، با تکیه بر علوم پیش‌نیاز فهم قرآن (اعم از ادبیات عرب، سنت، تاریخ و...) سعی در فهم جزئی و بخشی قرآن، یعنی الفاظ و عبارات و جملات و آیات و سیاق‌های آن می‌کند. این رویکرد تفسیری (خواه بر اساس ترتیب نزول و خواه بر اساس ترتیب تدوین) به تفسیر ترتیبی شهرت دارد و در آن، فرد جویای دریافت نظر و نظریه از قرآن نیست.

عموم نظریه‌های مربوط به روش تفسیر قرآن کریم، اعم از روش‌های مأثور و غیر مأثور، در طول تاریخ تفسیر به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند و ابعاد مختلف آن‌ها واکاوی شده است. ورود شهید سید محمدباقر صدر به این موضوع، ناشی از آسیب‌شناسی رویکردهایی است که صرفاً معارف قرآنی پراکنده و گسسته و بدون دستیابی به نظریه قرآنی را مطرح می‌کند. (اکبری و شیرزاد، ۱۳۹۳ش، ص ۴۱) وی با انتقاد از اکتفا به رویکردهای تجزیه‌ای در فهم قرآن، نتیجه آن را محدود ساختن مفسران به برداشت‌هایی مرتبط با عصر نزول و غیر مرتبط با اقتضائات روزآمد مسلمانان و به تبع آن، تکرار مکررات در طول اعصار و امصار مختلف دانسته است. (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۳۳) نظریه تفسیر موضوعی، توسط او در پاسخ به این نیاز اساسی شکل گرفته و سعی دارد که مسائل مختلف انسانی و اجتماعی را به صورت روشمند به قرآن عرضه کند و پاسخ بگیرد. تفسیر موضوعی، محصول تحولات فکری و فرهنگی دوران معاصر و احساس نیاز به استخراج و تنظیم نظر قرآن درباره پدیده‌های گوناگون است.

برخی از صاحب‌نظران، با تأکید بر «عدم هماهنگی تفسیر موضوعی با حکمت خاص الهی در چینه‌های آیات» و «خروج آیات از موضع خاص قرآنی» با این رویکرد مخالفت کرده‌اند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۲۴). اما عموم اندیشمندان و مفسران این مخالفت را صحیح ندانسته‌اند. زیرا اولاً هر آیه‌ای می‌تواند معنایی مستقل از آیات دیگر هم‌جوار و هم‌سیاقش داشته باشد؛ ثانیاً از شرایط عمومی مفسر این است که بتواند دلالت‌های جایگاه آیه در معنای آن را نیز در نظر بگیرد؛ ثالثاً استشهاد به آیات در معنایی مستقل از سیاق در سنت و سیره پیامبر (ص) و امامان (ع) نیز به‌وفور مشاهده می‌شود. (ر.ک: جلیلی، ۱۳۷۲ش، ص ۹۰) نظریه شهید صدر بیانگر آن است که مفسر موضوعی، بر خلاف مفسر تجزیه‌ای، در سطح واژگان قرآنی و کشش دلالتی آن‌ها متوقف نمانده و در پی ترک افق معنایی خویش برای نزدیک شدن به افق معنایی قرآن نیست.

بلکه مفسر با مطرح نمودن پرسش‌هایش که کاملاً متأثر از موقعیت هرمنوتیکی او است، به گفتگو با قرآن می‌نشیند تا از درهم آمیختگی افق معنایی‌اش با قرآن، به فهمی نو دست یابد. (اکبری و شیرزاد، ۱۳۹۳ش، ص ۵۵)

با توجه به بررسی جامعی که در پیشینه تحقیق و نیز بررسی خوانش‌های انتقادی و تکمیلی تفسیر موضوعی مطرح خواهد شد، به نظر می‌رسد که به‌رغم اهمیت و کارآمدی و نقاط قوت این نظریه، اصل و اساس آن از دیدگاه عموم صاحب‌نظران و پژوهشگران بر محور «فرایندهای استنتاج‌گونه» درباره «موضوع یا مسئله‌ای که از بیرون اتخاذ شده» است و پیشنهادهای مطرح شده نیز مبتنی بر آسیب‌شناسی دقیق نبوده و منجر به ارائه راهکار تکمیلی مناسب نشده است. لذا پرسش اصلی که در این مقاله دنبال می‌شود، این است که مهم‌ترین آسیب‌های تفسیر موضوعی قرآن و راهکار مرتفع نمودن آسیب‌ها و تکمیل استنتاج چیست؟

پیشینه

«تفسیر موضوعی» به دلیل فقدان ادبیات منسجم و آثار پرتعداد تا زمان تکون این نظریه توسط شهید صدر، چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. برخی بر این باور هستند که در قرون اولیه، با وجود غلبه گرایش به تفسیر ترتیبی، تفسیر موضوعی نیز هم‌پای آن شکل گرفته است. (یساقی و ایازی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۹۸) منشأ چنین دیدگاهی، نگرشی ساده و ابتدایی به تفسیر موضوعی است که برای این کار، موضوع‌های قرآنی برگزیده و با دسته‌بندی آن‌ها و سپس آوردن همه آیاتی که به موضوع پرداخته‌اند، نگرش قرآن درباره هر موضوع به دست آید. (حکیم، ۱۳۸۷ش، ص ۲۲) برخی دیگر باور دارند که مسئله تحقیقی باید داخل در قلمرو قرآن بوده و قرآن به حد کافی در باب آن سخن بگوید؛ ثانیاً موضوع بسیار گسترده انتخاب نشود که جمع‌بندی آیات بسیار مشکل شده و نتیجه مطلوب حاصل نشود. (کریمی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۹۲) در حالی که منظور شهید صدر از تفسیر موضوعی، تفسیر موضوعات درون قرآنی نبوده؛ بلکه این دغدغه، ناشی از پیدایش موضوعات و مسائل اعتقادی، اجتماعی و جهانی است که در زندگی فردی و اجتماعی پدید می‌آید و فرد می‌خواهد با نگرش عمیقی که از موضوع و مسئله پیدا کرده، راه حل آن را از قرآن بجوید. (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۳ش، ص ۴۲) به عبارت دیگر، مهم‌ترین کارکرد متوقع از تفسیر موضوعی، «نظریه‌پردازی قرآنی» است و مراحل آن را به گونه‌ای سامان می‌دهد که به نظریه منتج شود. (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۶) چنان‌که بخشی از مراحل تفسیر موضوعی، مشترک میان نظریه‌پردازی قرآنی و غیر قرآنی است. (کریمی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۹۲) لذا می‌توان این دو مفهوم را معادل یکدیگر دانست و در تعریف آن‌ها گفت: «استنباط نظریه قرآن در باب یک مسئله یا موضوع، از طریق جمع‌آوری و دسته‌بندی تمام آیات و استنتاج روشمند آن‌ها.» (همان، ص ۱۹۱) در این رویکرد تفسیری، محقق و قرآن‌پژوه می‌کوشد از آیات قرآن، مطالب خود را بپرسد و برای دریافت پاسخ، از قرائن تفسیری (مانند: روایات، دلالت‌های لغوی، اسباب نزول، قرائن تاریخی و ...) نیز استفاده می‌کند. در واقع، اگر

ادبیات و نوع نگرش مبدع نظریه و واضح اصطلاح تفسیر موضوعی، ملاک بررسی باشد، این شیوه در بهره‌برداری از قرآن، پدیده‌ای نوین است که کارآمدی فراوانی در تولید علم دینی و یا دست کم کشف نگاه مخالف یا موافق دین به موضوعات و مسائل نوپدید دارد.

پس از پردازش نظریه تفسیر موضوعی توسط شهید صدر، شماری از اندیشمندان و قرآن‌پژوهان در صدد کار بست آن در موضوعات و مسائل مختلف بر آمده‌اند و کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های متعدد با عنوان «تفسیر موضوعی...» یا «موضوع در قرآن» توسط مفسران و قرآن‌پژوهان به رشته تحریر درآمده که فهرستی از این آثار در منبع‌شناسی تفسیر موضوعی قرآن تا سال ۸۴ توسط گروه کارورزی تفسیر موضوعی مؤسسه امام خمینی (ره) جمع‌آوری شده است. علاوه بر آثاری که به‌عنوان تفسیر موضوعی تدوین شده، پژوهش‌ها و مطالعاتی پیرامون چیستی، مبانی، پیش‌فرض‌ها، ابعاد و جوانب، قواعد، و شیوه‌ها و مراحل عملیاتی آن صورت گرفته است. پیشینه این آثار نیز در چندین مقاله، از جمله تفسیر موضوعی؛ پیشینه، اقسام و روش‌ها توسط حبیب‌الله زارعی مورد بررسی تحلیلی قرار گرفته است.^۱ چه این که بخشی از مقاله چیستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر قرآن به قرآن نیز با تعمیم تفسیر موضوعی به هر اثری که موضوع خاصی را از دیدگاه قرآن مورد توجه قرار داده، پیشینه‌ای از جوانه‌های تفسیر موضوعی در آثار متقدمان ارائه نموده است؛ همچنین به آن دسته از تفاسیر پرداخته که همراه با تفسیر ترتیبی، به بررسی موضوعی نیز اهتمام داشته‌اند. همچنین کتاب نظریه پردازي قرآن بنیان: رهیافت‌های توسعه روش نظریه پردازي قرآن بنیان سید محمدباقر صدر نیز به‌منظور تبیین راهکار استخراج نظریه از قرآن بر اساس تفسیر موضوعی شهید صدر، اشاره‌ای به پیشینه اقسام روش‌های تفسیر موضوعی دارد تا فرق آن‌ها با رویکرد شهید صدر آشکار شود. (ر.ک: بهمینی، ۱۳۹۷، ش، ص ۹۱-۹۳) نظریه تفسیر موضوعی، آن‌چنان مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته که از آن برای تکمیل رویکردهای روش‌شناختی دیگر نیز بهره‌گیری شده است. (ر.ک: مزینانی و علیزاده و آزاد، ۱۳۹۷، ش، ص ۲۶) متقابلاً برخی از محققان با توجه به پیشینه‌ای از الگوهای فهم فراخطی و شبکه معنایی قرآن، از جمله مطالعات معناشناختی، روابط بینامتنی در سطح کلان متن، الگوی بازگشتی و نظریه پیوند (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴، ش، ص ۴۳) این گونه نظریه‌ها را در عرض نظریه تفسیر موضوعی شهید صدر مورد توجه قرار داده‌اند. (همان، ص ۵۶-۵۷) در حالی که روش‌های فهم قرآن و تفسیر تجزیه‌ای را نمی‌توان در عرض تفسیر موضوعی قرار داد؛ بلکه در تفسیر موضوعی، مفسر با نگاهی جامع و اجتهادی یا با استفاده از روش‌های مختلف، برای اثبات نظریه قرآن درباره موضوع خویش بهره می‌گیرد. به اذعان عموم محققان، آن‌چه تفسیر موضوعی را از تفسیر ترتیبی متمایز می‌نماید، تعریف مسئله و الگوی گفتگو محور

۱. هر دو مقاله در شماره ۹۶ مجله معرفت، آذر ۱۳۸۴ منتشر شده است.

۲. غلامی، لایلا و علوی‌مهر، حسین، زمستان ۱۳۹۰، «چیستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر قرآن به قرآن»، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۸، صفحات ۸۵ تا ۱۰۰.

استنطاق میان مفسر با قرآن و فرایند مراجعه‌ای به قرآن بر اساس ساختار پرسش و پاسخ است. (بهمنی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۰) در این روش، پرسش‌های مفسر که برخاسته از بیرون است، نقطه آغاز گفتگو میان وی با قرآن است تا به نظریه قرآن دست یابد. (اکبری و شیرزاد، ۱۳۹۳ش، ص ۴۲) شهید صدر بر آن است که با توجه به نقش عنصر "کاربرد" در فهم، به معنای تناسب ادراک مفسر با شرایط کنونی و انتظاراتش از متن به‌ویژه در مقام تعامل فعال و پرسش و پاسخ با متن، از عناصر ارتباط‌دهی میان معنای متن با زبان قرآن پژوه بهره‌برداری صحیح نماید. (همان، ص ۵۰)

مهم‌ترین رکن تفسیر موضوعی، «استنطاق» بر محور مسئله و موضوعی است که از بیرون به قرآن عرضه شده و با پیمودن مراحل که ذکر شد، به یافتن پاسخ قرآن می‌پردازد. استنطاق، مفهومی برگرفته از روایت علوی (ع) است که می‌فرماید: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ» «آن، قرآن است؛ آن را استنطاق کنید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸) در واژه استنطاق، این معنا مندرج است که سؤال‌شونده به راحتی نمی‌خواهد چیزی بگوید؛ اما مطالبی دارد که برای دریافت مشروط به سؤال‌های کلیدی است. (صفره، ۱۳۸۹ش، ص ۱۴۰) شهید صدر با استناد به عبارت فوق، مسلمانان را به محاوره با قرآن و استنطاق از آن فراخوانده (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰) تا متناسب با نیازهای هر دوره‌ای به سخن آید و از مشکلات جوامع بشری گره بگشاید. (یساقی و ایازی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۹۷) وجه استنطاق این است که با تغییر اقتضائات زمانی و فرهنگی جدید، ممکن است متن در برابر سؤال‌های جدیدی قرار گیرد که در زمان تدوین متن مطرح نبوده است. این گونه سؤالات در متن مطرح نیستند؛ اما ممکن است متن به‌طور بالقوه پاسخی برای آنها داشته باشد. (باقری، ۱۳۸۷ش، ص ۱۴۵) در این روش، قرآن‌پژوه می‌کوشد که با رفت و برگشت مکرر و برقراری دیالکتیک بین واقعیت‌های بیرونی با متن قرآنی، به شکل‌گیری و زایش مفاهیم جدید اهتمام بورزد. (بیدی، ۱۳۹۹ش، ص ۴۷) کاربردهای عملیاتی استنطاق و نظریه تفسیر موضوعی در برخی از پژوهش‌ها، باعث شد که برخی از محققان نسبت به اجزای پیشنهادی این نظریه توسط شهید صدر، خوانش‌هایی مطرح نمایند تا ضمن شناسایی آسیب‌ها و چالش‌ها، راهکارهای تکمیلی را مطرح نمایند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۱- بررسی یک خوانش انتقادی و دو خوانش تکمیلی تفسیر موضوعی

در آثار متعددی که با محوریت تبیین و تکمیل نظریه شهید صدر و تفسیر موضوعی وجود دارد، تکیه اصلی بر استنطاق و مدل‌سازی مفهومی از روش تفسیر موضوعی است و نهایتاً پیشنهاداتی برای بهبود و تکمیل و بیان میزان کاربردهای آن در نظریه‌پردازی ارائه نموده‌اند و یا نمونه‌هایی از به‌کارگیری این روش در موضوعات مختلف دست داده‌اند. سعید بهمنی در کتاب *نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان: رهیافت‌های توسعه روش نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان سید محمدباقر صدر* و نیز مقاله «خوانش انتقادی استنطاق و کاربردهای آن در نظریه شهید صدر پیرامون سنت‌های تاریخ در قرآن» به‌صورت مفصل، مراحل تفسیر

موضوعی را برای نیل به «نظریه قرآنی» بررسی نموده است. بهمنی، در چیدمانی که از نظریه شهید صدر استخراج کرده، فرایند تفسیر موضوعی منتج به نظریه را در نه مرحله بیان نموده: ۱- مسئله‌شناسی؛ ۲- پیشینه‌شناسی؛ ۳- هدف‌گذاری؛ ۴- طرح سؤال؛ ۵- فرضیه‌سازی؛ ۶- استنتاج؛ ۷- مطالعات مقارن؛ ۸- نظریه‌پردازی؛ ۹- تدوین. آن‌گاه فرایند استنتاج را در چهار مرحله مورد توجه قرار می‌دهد: ۱- اتخاذ اصول و قواعد عام تفسیر؛ ۲- استخراج داده‌های قرآنی مربوط به مسئله؛ ۳- پرسش و دریافت پاسخ از قرآن؛ ۴- دستیابی به مدلول‌های تفصیلی. (بهمنی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۰-۳۲) پیش‌تر او در کتابش عنوان «اجتهاد و نوآوری» را نیز به‌عنوان مرحله پنجم ذکر نموده است. (همو، ۱۳۹۷ش، ص ۲۱۶)

مرحله نخست: استنتاج، بهمنی بر آن است که تمامیت یک نظریه مشروط به آن است که استدلال‌های آن از هر جهت روشن شود. بر این اساس، اولاً به قواعد شهید صدر، نظیر میزان اعتماد به ظهور لفظ و سنت، اخبار آحاد و قراین عقلی در تفسیر متن قرآن (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۱۲) اشاره کرده؛ ثانیاً به نکات تکمیلی این قواعد در آرای اصولی او به‌ویژه در مباحث قواعد برداشت از دلیل لفظی (همو، ۱۴۲۱ق، ص ۸۱-۱۱۶) استناد کرده؛ ثالثاً مواردی را بازگو کرده که شهید صدر قواعد مورد استفاده‌اش را بیان نکرده و مواردی از عدم التزام شهید صدر به قواعدش را بیان کرده تا نقصان این نظریه را نشان دهد. (بهمنی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۲-۳۶)

مرحله دوم: استنتاج، در گرو استخراج داده‌های قرآنی مرتبط با مسئله، با تکیه بر فرمول‌های دقیق و قضایای ضابطه‌مند است که این از برجسته‌ترین ویژگی‌های نظریه شهید صدر بوده و مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. هرچند ممکن است برخی فرمول‌ها کارآیی لازم برای استنتاج در موضوع مورد نظر را نداشته باشند. بهمنی به پژوهش‌های مشابهی اشاره کرده که این فرمول‌بندی نوآورانه را تکرار کرده‌اند. (همان، ۳۷) اما از آن‌جا که برای دستیابی به فرمول‌بندی کامل، استقرای تام در قرآن ضروری است، معتقد است نظریه شهید صدر در این باره از جامعیت لازم برخوردار نیست.

مرحله سوم: گلوگاه اصلی و هسته مرکزی استنتاج، یعنی پرسش و پاسخ از قرآن است که بدون آن، اساساً طلب نطق از قرآن صورت نمی‌گیرد (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۲۹).

مرحله چهارم: سرانجام دستیابی به مدلول‌های تفصیلی که محصول مراحل پیشین است مورد توجه قرار می‌گیرد (همان، ص ۲۴). مفسر در مقام دستیابی به مدلول‌های تفصیلی قرآن، همه توانایی‌های تخصصی خود را به کار می‌گیرد تا به نتایج مناسب دست یابد و در این راه از هر روشی که معتبر باشد، می‌تواند بهره‌مند شود. اما از آن‌جا که شهید صدر در کاربست عملیاتی نظریه خویش، مدلول‌ها و وجه دلالت آن‌ها را مطرح نکرده، امکان مشاهده فرایند اجتهادی او وجود ندارد (بهمنی، ۱۳۹۹ش، ص ۴۴).

۱. رهیافت‌هایی از این موضوع در کتاب «منطق پاسخ‌دهی قرآن کریم: ساخت و اجرای مدل تحلیل داده‌ها، فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی درباره روش‌شناسی قرآن کریم» نیز پیگیری شده است.

درباره مطالبی که بهمنی مطرح کرده، توجه به این نکته شایان توجه است که بسیاری از تفصیلات وی در تبیین نظریه شهید صدر، اولاً خارج از نظریه بوده و صرفاً تطبیق او با شیوه‌های مرسوم نظریه‌پردازی است. چنان‌که مراحل مسئله‌شناسی، پیشینه‌شناسی، هدف‌گذاری، طرح سؤال و فرضیه‌سازی را می‌توان ذیل مؤلفه سوم استنتاج، یعنی طرح سؤال از قرآن در نظر گرفت. اگر مقایسه و مطالعات مقارن، مفسر را در پی‌بردن به قراین متصل و منفصل سوق دهد، جزئی از فرایند استنتاج محسوب می‌شود؛ در غیر این صورت، ذیل تفسیر قرآن نمی‌گنجد. ضمن آن‌که نظریه‌پردازی، فرایندی جداگانه از پژوهش‌های صورت گرفته در مراحل قبلی نیست و تدوین نیز از مراحل و لوازم معرفی نظریه محسوب می‌شود، نه تفسیر موضوعی قرآن. درباره مراحل چهارگانه استنتاج نیز، مرحله اول یعنی اتخاذ اصول و قواعد عام تفسیر، پیش‌نیاز قرآن‌پژوه در استنتاج است؛ نه یکی از مراحل استنتاج؛ لذا بهمنی نیز هوشمندانه از آن به‌عنوان مؤلفه‌های استنتاج یاد کرده است. استخراج داده‌های قرآنی مربوط به مسئله و دریافت پاسخ بر اساس مدلول‌های تفصیلی صورت می‌پذیرد. لذا برخی از محققان تصریح کرده‌اند که تفسیر موضوعی در مطالعه اکتشافی آیات و مدلول مجموع آیات، وامدار تفسیر ترتیبی است. برآیند تحلیل این است که تفسیر موضوعی را در سه مرحله می‌توان خلاصه کرد: ۱- شناسایی مسئله و موضوع، ۲- استنتاج از قرآن، ۳- جمع‌بندی مفاهیم و مدلول‌های به‌دست آمده به‌منظور کشف دیدگاه قرآن پیرامون موضوع (کریمی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۵).

مصطفی کریمی، در مقالات «ماهیت تفسیر موضوعی» و «فرایند نظریه‌پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی» رویکردهای مختلف تفسیر موضوعی را معرفی نموده است. او مراحل تفسیر موضوعی را دوازده مرحله می‌داند: ۱- انتخاب مسئله؛ ۲- ایضاح مفاهیم کلیدی؛ ۳- تهیه ساختار؛ ۴- آگاهی از پیشینه و دستاوردهای بشری درباره مسئله؛ ۵- به‌دست آوردن دیدگاه‌های مهم در مسئله؛ ۶- مطالعه اکتشافی قرآن و استخراج آیات؛ ۷- ارائه فرضیه؛ ۸- دسته‌بندی و مرتب کردن آیات؛ ۹- تفسیر آیات گردآوری شده در جایگاه خود؛ ۱۰- مشخص کردن حد دلالت آیات؛ ۱۱- استخراج نظریه؛ ۱۲- ارزیابی نظریه. (کریمی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۸۹) البته به این توجه نموده که مراحل یکم تا پنجم و مرحله هفتم در این فرایند میان نظریه‌پردازی قرآنی و غیر آن مشترک است. (همان، ص ۱۹۲) کارویژه این اثر، فراتر از خوانش انتقادی، ارائه تفصیل دقیق‌تری از مراحل عملیاتی استنتاج است تا خروجی فرایندها بیشتر با قرآن منطبق باشد. بر این اساس در مراحل ششم و هشتم تا دهم، اصول و قواعد عمومی تفسیر که در فهم دقیق از آیات مربوط است، به تفصیل بازگو می‌کند. (ر.ک: همان، ص ۱۹۴-۲۰۵) همچنین آزمون‌هایی را برای ارزیابی درونی و بیرونی نظریه، معرفی نموده است. (ر.ک: همان،

۱. نویسنده فوق‌بیان داشته که این دو مقاله برگرفته از پژوهشی با عنوان «نظریه‌پردازی قرآنی» است که سال‌ها در مقاطع دکتری و سطح چهار حوزوی تدریس شده است. مراحل چاپ و انتشار این پژوهش در دو جلد با عناوین نظریه‌پردازی قرآنی؛ مبانی تفسیر موضوعی و نظریه‌پردازی قرآنی؛ فرایند تفسیر موضوعی، توسط مؤسسه امام خمینی (ره) در دست اقدام است که تا اتمام نگارش این مقاله، هنوز منتشر نشده است.

ص ۲۱۲) نکته مهم در رویکرد این مقاله، توجه به عارضه تفسیر به رأی در صورت تحمیل برخی یافته‌ها و قواعد کنونی به قرآن است (همان، ص ۱۹۳).

به‌رغم تلاش ستودنی کریمی، مفهوم استنتاج همچنان نقصان‌های جدی در پرسش و پاسخ با قرآن دارد و نمی‌تواند شیوه مناسبی برای طرح سؤال و به‌نطق درآوردن قرآن ارائه دهد. لذا بعضی دیگر با تأکید بر کارآمدی فراوان روش استنتاج، سعی کرده‌اند با استفاده از الگوهای موجود در نظام‌های فکری دیگر، مانند تکیه بر اندیشه هرمنوتیکی گادامر و ظرفیت‌های روش مطالعه تطبیقی نامتوازن، آن را بسط و تکمیل نمایند. (اکبری و شیرزاد، ۱۳۹۳ش، ص ۳۷) نظریه گادامر که کوششی فلسفی برای تبیین ماهیت فهم، مطابق با زبان هرمنوتیک او است، به‌رغم تفاوت‌هایی که در اهداف و رویکردها و نظام مبنایی با نظریه شهید صدر دارد، به‌جهت استفاده از "الگوی گفتگو در فرایند فهم"، مانند آن است. (همان، ص ۴۲-۴۳ و ص ۵۷) در این نگرش، متن به‌عنوان موضوع شناسایی، تابع ذهنیت فاعل شناسا نیست و فاعل شناسا نیز مقهور متن نیست؛ بلکه با مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها و داوری‌ها با متن مواجه می‌شود (همان، ص ۴۵-۴۶). پیش‌داوری‌ها نه تنها فهم مفسر را با اختلال مواجه نمی‌سازد، بلکه امری لازم است؛ چرا که فاعل شناسا، به‌دنبال کاربردی از متن است و این کاربرد مورد انتظار، زمینه را برای گفتگو و پرسش و پاسخ فراهم می‌کند (همان، ص ۴۷-۴۹). «کنش متقابل مفسر و متن» در مقام گفتگو و پرسش و پاسخ، که در نظریه گادامر از ترکیب دو ویژگی "مرکب بودن فهم" (نه بسیط بودن آن) و "آمیختگی افق‌های معنایی متن با ذهن مفسر" شکل می‌گیرد، ضمن پشتیبانی نظری از الگوی استنتاج، یادآوری می‌کند که: انسان به‌رغم محدودیت هرمنوتیکی، می‌تواند افق دید خویش را جابه‌جا نماید تا گذشته را بر اساس انتظارات خویش یکسان‌سازی نماید. (همان، ص ۵۰-۵۴) در این شیوه، قرآن موضوع شناسایی نیست تا کنشی یک‌سویه داشته باشد. نقش قرآن در تفسیر موضوعی، به‌عنوان موجودی زنده که متناسب با پرسش‌های زمانه مفسر، گفتگو می‌کند و پاسخ می‌دهد. نقش مفسر که با به‌رسمیت شناختن موقعیت هرمنوتیکی‌اش، از پیش‌فرض‌ها و تصورات خویش شروع به پرسشگری می‌کند تا کاربردی متناسب با شرایط حال حاضر خویش داشته باشد (همان، ص ۵۷-۵۹).

با وجود آن که در این مقاله تلاش زیادی برای تکمیل روش استنتاج شده؛ اما نتیجه آن، صرفاً تأکید بر کنار نهادن الگوی یک‌طرفه خطابه قرآن و بازگو کردن ارکان و قواعد یک گفتگوی دوسویه با یک متن زنده است. هر چند برخی از ادعاهای این مقاله، مانند ضرورت حفظ پیش‌فرض‌ها در مقام گفتگو با متن در تعامل با کتابی که تفسیر به رأی آن، عواقب سنگین به‌همراه دارد، قابل پذیرش نیست.

۲- چالش‌ها و آسیب‌های رویکرد شهید صدر در تفسیر موضوعی

مهم‌ترین کارکرد تفسیر موضوعی، نظریه‌پردازی قرآنی و استخراج نظریه قرآن درباره موضوعات و مسائل مختلف زندگی

است (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲). لذا خروجی مورد انتظار از آن، اولاً باید ویژگی‌های یک نظریه را واجد باشند و ثانیاً نباید خارج از چارچوب‌های مبنایی و محتوایی قرآن باشد (کریمی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۹۱). اما در پژوهش‌هایی که با رویکرد تطبیقی یا تکمیلی در تبیین مراحل و گام‌های عملیاتی صورت گرفته، باز هم به آسیب‌های اساسی آن اشاره نشده و یا پیشنهادی برای جبران نقصان ارائه نشده است. به نظر می‌رسد آسیب‌هایی که باعث می‌شود مفسر موضوعی در دستیابی به نظریه قرآن موفق نشود، عبارت‌اند از:

۱-۲- انفعال در برابر موضوع و مسئله یا انفعال در برابر قرآن؟

همان‌طور که اشاره شد، محور اصلی تفسیر موضوعی در نظریه شهید صدر، استنتاج است؛ اما به نظر می‌رسد که اگر استنتاج، صرفاً ناظر به مراحل داده‌کاوی و استخراج نظریه باشد، ممکن است ویژگی دوم «نظریه قرآنی» محقق نشود. زیرا با وجود آن که مفسر در تفسیر موضوعی، نسبت به تفسیر ترتیبی، رویکرد فعالانه‌تری در الگوی گفتگو با قرآن دارد (صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴)؛ اما در مقام فهم و ارائه موضوع و مسئله به قرآن، رویکرد انفعالی دارد. چرا که نظریه شهید صدر و رویکردهای شارح آن، در معرض گرفتاری به سه اشکال مهم قرار دارند:

۱- اصالت یافتن موضوع در مقام عرضه به قرآن؛

۲- امکان تثبیت پیش‌فرض‌های نادرست یا ناقص و تبدیل نظریه‌پردازی قرآنی (هدف تفسیر موضوعی) به تطبیق با نظریه‌های مطرح‌شده؛

۳- به حاشیه رفتن نگاه اصیل قرآنی در مقام مراجعه به قرآن.

به عبارت دیگر، در صورت عدم توجه به راهیابی پارادایم‌های آشکار و پنهان به نظریه‌ها، در مقام تبیین مراحل عملیاتی تفسیر موضوعی و یا کاربست عملیاتی آن در مقام ارزیابی نظریه‌ها، اصالت به پارادایم و نظریه پایه‌ای داده می‌شود که از بیرون دریافت شده، نه از قرآن. از این رو، ابتکار عمل در رویکردهای معرفی‌شده، در اختیار قرآن پژوه نیست؛ بلکه در اختیار نظریه‌های پیش‌فرض است. در نتیجه، قرآن پژوه ممکن است به جای آن که به دیدگاه قرآن دست یابد، صرفاً شواهدی در تأیید و یا رد آن موضوع یا مسئله به دست بیاورد و یا در دام تطبیق‌های ناقص و نادرست بیفتد.

فردی که با مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها و مبانی به محضر قرآن می‌رسد و پرسش‌های خود را بر اساسی که با نگاهی غیر قرآنی ساخته شده، مطرح می‌کند، با فرد دیگری که بدون آن پیش‌فرض‌ها و مبانی از قرآن کسب نظر کند، به ندرت ممکن است که به نتایج یکسان و مشابهی دست یابند.

به عنوان نمونه، این آسیب و چالش را در برخی از آثاری که به بررسی موضوع "فرهنگ" در قرآن پرداخته‌اند (رجوع شود به: میرسندسی، ۱۳۹۹ش و سروری‌مجد، ۱۳۹۱ش و مذبوحی و ملکی، ۱۳۹۱ش)، می‌توان به وضوح مشاهده نمود که

برخی از صاحب‌نظران، پارادایم‌های حاکم بر آن را در چهار نظریه «تفسیر‌گرایی»، «ساختار‌گرایی رادیکال»، «انسان‌گرایی رادیکال» و «پارادایم کارکرد‌گرایی» دسته‌بندی نموده‌اند (فرهادی محلی، ۱۳۹۰ش، ص ۸۴-۸۸). تفاوت‌های فراوانی که در تعریف فرهنگ و محدوده آن وجود دارد؛ از تحدید آن در شاخه‌هایی از هنر تا توسعه دامنه آن به علم و معرفت و حتی ابعاد مختلف تمدن، بسیاری از نظریه‌های مشهور فرهنگ، برخاسته از مردم‌شناسی‌های مبتنی بر پارادایم‌های مادی‌نگرانه و نسبی‌گرایانه است. زیست‌انسان‌ها در هر محیط و جامعه‌ای اقتضانات و با شرایط تاریخی، اقلیمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی، به شکل‌گیری ارزش‌ها و هنجارهای متفاوتی منجر شده است؛ لذا مقایسه و داوری ارزشی درباره فرهنگ هر جامعه‌ای، صرفاً بر اساس شرایط حاکم بر آن جامعه صورت می‌گیرد، نه باورها و ارزش‌های رایج در فرهنگ‌های دیگر. (بیتس، ۱۳۷۷ش، ص ۴۳-۴۴) در مقاله‌ای ضمن توجه به این آسیب، با اشاره به ۱۶ دسته از آیاتی که نسبت فرهنگی را نفی می‌کند، به تحلیل این پارادایم در عرصه‌های اخلاقی، نجات‌بخشی، معرفت‌شناسی، حقیقت‌شناسی، وظیفه‌شناسی پرداخته است (بسیج، ۱۳۹۵ش، ص ۲۱-۲۵).

این سخن به هیچ وجه نه به معنای نفی پرسشگری از قرآن است و نه منافاتی با روش مند بودن مراجعه به قرآن دارد؛ بلکه تأکید بر عدم تحمیل مطلبی به قرآن و ضرورت دریافت خالص از قرآن است و برای این امر، از انواع قرائن داخلی و خارجی تفسیر، می‌توان بهره‌مند شد.

لازم است به این نکته توجه شود که این آسیب هر چند در مباحث تفسیر موضوعی و اصول شهید صدر مورد توجه قرار نگرفته؛ اما پیش‌گیری از این آسیب در آخرین آثار او که در کتاب «الاسلام يقود الحیاة» گردآوری شده، به صورت مصداقی مشاهده می‌شود.

۲-۲- فقدان طرحی جامع برای مراجعه به همه قرآن

شهید صدر معتقد است که برای اجرای کامل تفسیر موضوعی، لازم است مدلول‌های جزئی یا تفصیلی «آیات مربوط به مسئله» مورد بررسی قرار گیرد. (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۲۴) و همان‌طور که اشاره شد، پیشنهاد شهید صدر، پرسش و پاسخ از قرآن است. با این حال، بهمنی نیز در کاربست نظریه شهید صدر در موضوع سنت‌های تاریخی، شواهد فراوانی نشان می‌دهد که فرایند نظریه‌پردازی او خالی از طرح پرسش و دریافت پاسخ در هر مرحله است. (بهمنی، ۱۳۹۹ش، ص ۴۲) لذا تصریح می‌کند که شهید صدر، سازوکارهای فنی این امر را تبیین نکرده است (همو، ۱۳۹۷ش، ص ۲۲۱).

۱. برای «فرهنگ» تعاریف متعددی ارائه شده است؛ برخی آن را بالغ بر ۱۶۱ تعریف (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۹ش، ص ۹)، دیگری تا ۱۶۴ تعریف (ر.ک: حسن‌بیگی، ۱۳۹۰ش، ص ۳۳۶)، برخی بیش از ۲۵۰ و برخی دیگر تا ۴۰۰ تعریف از آن را برشمردند. (ر.ک: آشوری، ۱۳۵۷ش، ص ۳۹)

روشمندترین طرح در تفسیر موضوعی، تحقیق موضوعی قرآن کریم است که بر پایه مفهوم‌یابی و یافتن نزدیک‌ترین کلیدواژه موضوع و بررسی دلالت‌های آیات حاوی آن کلیدواژه بر مبنای ترتیب نزول سوره‌ها، با توجه به سیاق‌ها و نکات تفسیری است (ر.ک: لسانی فشارکی و مرادی زنجانی، ۱۳۸۹ش، بخش اول). هر چند پژوهشگر ارجمند به نظرات مخالف اکتفا به کلیدواژه خاص در تفسیر موضوعی عنایت داشته و معتقد به عدم کفایت این روش در کشف دیدگاه قرآن است؛ اما این روش را برای باز کردن راه تدبر در قرآن بر روی عموم مردم، سودمندتر از دعوت کلی به تدبر در قرآن بدون معرفی روشی خاص می‌داند. ضمن آن که ورود بدون مدخل و کلیدواژه مناسب را نیز بی‌حساب و کتاب و موجب سردرگمی پژوهشگر می‌داند (ر.ک: همان، ص ۵-۷).

با این حال، بر اساس تحقیقات صورت گرفته با استفاده از الگوهای فهم فراخطی و شبکه معنایی قرآن، امکان یافتن طرحی جامع، در بررسی جامع‌نگرانه کلیدواژه‌های موضوع وجود دارد؛ چنان که در مقاله «فهم قرآن در پرتو نظم شبکه‌ای یا فراخطی آن»، به این موضوع پرداخته شده است. اما مشکل اساسی باز هم دستیابی به رهیافت‌های مربوط به موضوع در آیات فاقد کلیدواژه‌های محوری است. به عبارت دیگر، قرآن پژوه باید در برابر هر عبارت و آیه و سیاقی این پرسش را مطرح کند که: این مطلب چه دلالتی در موضوع و پاسخ به مسئله مورد نظر دارد؟ اما در فرایند پیشنهادی شهید صدر و شارحان دیدگاه او، طرحی مناسب و جامع برای این امر مشاهده نمی‌شود.

از آن‌جا که قرآن یک بسته کامل بوده و به تعبیر روایات: «يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِلِسَانِ بَعْضٍ» (نطق برخی وابسته به نطق دیگری است) (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳). لازمه استخراج دیدگاه قرآن، بررسی همه آن است، نه صرفاً آیاتی که مستقیماً مربوط به مسئله باشند. به عبارت دیگر، در آیاتی که مستقیماً ارتباط روشنی با موضوع ندارند، ممکن است دلالت‌های مهمی وجود داشته باشد که در استخراج نظریه قرآن مؤثر باشند. چرا که بسیاری از الفاظ، مفاهیم، آیات، عبارات و سوره‌های قرآن به شکل‌های غیر مستقیم، مانند به وسیله ورود به پارادایم پشتیبان نظریه و یا از طریق معرفی نتایج و عواقب عملکردها، در تفسیر موضوعات مختلف دخیل‌اند.

۳-۲- جایگاه عترت در فهم قرآن

هر چند تفسیر موضوعی قرآن، روشی در عرض روش‌های تفسیر ترتیبی نیست؛ اما با توجه به مبنای «عدم جدایی قرآن و عترت از یکدیگر» برگرفته از حدیث متواتر ثقلین (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۱۵)، سخن «مجموع ثقلین» معتبر است، نه یکی از این دو بدون دیگری؛ لذا استناد به قرآن برای دریافت دیدگاهی جامع درباره هر مسئله‌ای اعم از مسائل اعتقادی و عملی، بدون رجوع به روایات ناقص است. جایگاه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) فراتر از جنبه تعلیمی و انتقال الفاظ قرآن بوده

۱. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی: «قرآن، اولین منبع معرفت دینی و بر اساس رهنمود معصومین (ع) ثقل اکبر و پشتوانه حجیت روایات است و سخنان عترت

و ایشان در جایگاه تبیین همه حقایق قرآن‌اند. مفسر ترتیبی برای دستیابی به نتیجه مناسب، باید همه روایاتی که در شأن نزول، تطبیق و یا تفسیر آیه مورد بحث آمده و همچنین روایاتی که به گونه‌ای با معنای آیه مرتبط است، با یکدیگر جمع‌بندی شود تا در محدوده سخنان عترت نیز مقیده‌ها، مخصّص‌ها و سایر قراین یافت‌شده، پیام ثقل دیگر نیز به روشنی دریافت شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۱۶۱). همان‌طور که در تشخیص جزئیات بسیاری از احکام و حکمت‌های قرآنی مانند مصادیق «نمازهای واجب» و تعداد رکعت‌های آن و نیز مصادیق «زکات واجب»، بدون رجوع به روایات نمی‌توان حکمی صادر نمود، استنباط دقیق نظریه قرآن درباره بسیاری از پدیده‌ها بدون مراجعه به روایات امکان‌پذیر نیست. حتی استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن نیز برای تشخیص دلالت‌های دقیق آیات، نمی‌تواند این نقیصه را جبران کند؛ زیرا در روایات، مطالبی بازگو شده که تشخیص آنها برای افراد عادی دشوار یا محال است. چه اینکه حتی استدلال امام جواد(ع) و برداشت «جمع مسجد» از «مساجد» درباره «محدوده قطع ید سارق» (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۳۲۰)، برای متبحرترین قرآن‌شناسان نیز بسیار دشوار است و چه‌بسا اگر چنین استنباطی از مفسری مطرح شود، از جانب مفسران محکوم به تفسیر به رأی شود. در این‌گونه موارد، می‌توان چنین روایاتی را در صورت برخورداری از ضوابط اعتبار حدیثی، نه به‌عنوان دلیل، بلکه به‌مثابه شاهدی متقن و معتبر تلقی نمود.

ضمن آن‌که در روایت مورد استشهاد شهید صدر درباره استنطاق، امام علی(ع) با حرف «آن» (که بر «نفی ابدی» دلالت دارد) «دستیابی به استنطاق قرآن» را جز از طریق مراجعه به معصوم محال دانسته است. هر چند شهید صدر متن روایت را از خطبه ۱۵۸ نهج‌البلاغه نقل کرده (ر.ک: صدر، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲)؛ اما کلینی عبارات آن را با اندکی تفاوت چنین بیان داشته: «فَجَاءَهُمْ بِنَسْخَةِ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى وَ تَصْدِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلِ الْحَلَالِ مِنَ رَيْبِ الْحَرَامِ؛ ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطَقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ أَخْبَرُكُمْ عَنْهُ إِنْ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ عِلْمٌ مَا يَأْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَ بَيَانٌ مَا أَصَبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ» (پیامبر با نسخه آن چیزهایی که در صحیفه‌های پیشین است و تأییدکننده آن حقایق و جداکننده

طاهرین که ثقل اصغر هستند، در اصل حجیت و در تأیید محتوا، متکی به قرآن است و باید بر آن عرضه و با آن ارزیابی شود. عرضه روایات بر قرآن، برای آن است که مضمون آن رو در روی قرآن نبوده، اختلاف تبیینی با آن نداشته باشد؛ وگرنه تقیید مطلق، تخصیص عام، تبیین کلی، تحدید حدود و تفصیل اجمال، مخالفت محسوب نمی‌شود. روایتی که با قرآن اختلاف تبیینی نداشته باشد، در دامنه قرآن قرار می‌گیرد و حجت و قابل استناد است. از سوی دیگر، چون رسول اکرم(ص) عهده‌دار تبیین جزئیات و تفصیل کلیات شریعت و معلم الهی قرآن است: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (النحل: ۴۴) و آن حضرت نیز به موجب حدیث متواتر ثقلین همین سمت‌ها را به جانشینان خود سپرده است: تبیین حدود و جزئیات معارف و احکام کلی قرآنی بر عهده معصومین(ع) است و سخنان آنان عموماً قرآنی را تخصیص و مطلقات آن را تقیید می‌کند. بنابراین، استناد به قرآن برای معتقد شدن به اصول اعتقادی و عمل کردن به فروع عملی بدون رجوع به روایات بی‌ارزش است و در حقیقت، سخن مجموع ثقلین، سخن اسلام است، نه سخن یکی از دو ثقل به تنهایی. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۲)

۱. «فَجَاءَهُمْ بِتَصْدِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ النُّورِ الْمُقْتَدَى بِهِ ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطَقُوهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنْ أَخْبَرُكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثُ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ»

حلال از حرام شبهه‌ناک آمد. آن، نسخه، قرآن است. از آن بخواهید تا سخن بگویید؛ اما هرگز سخن نمی‌گوید. لیکن من شما را از محتوای آن خبر می‌دهم. در قرآن، آگاهی از آن چه گذشته و علم به آن چه تا قیامت واقع خواهد شد، حکم دربارهٔ روابط بین شما و بیان آن اموری که در آن‌ها دچار اختلاف خواهید شد. اگر دربارهٔ این امور از من پرسید، شما را آموزش خواهم داد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۱).

با توجه به این که دأب سیدرضی در نهج‌البلاغه، تقطیع روایات و انتخابات عبارات بر مبنای فصاحت و بلاغت الفاظ (و نیز صحت انتساب و صدور به حضرت و غنای محتوا) بوده (قاسم‌پور، ۱۳۸۹، ص ۷۴)، به نظر می‌رسد که نسخهٔ کلینی به جهت عدم دخالت راوی از اعتبار بیشتری برخوردار است. هر چند عبارت «لَنْ يَنْطِقَ» در هر دو سند ذکر شده، اما به قرینهٔ عبارت «فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ» در نسخهٔ کلینی نیز می‌توان استنتاج قرآن را مشروط به مراجعه به امامان دانست.

به عنوان مثال، یکی از محکّمات و مسلمات قرآن و عترت در توحید و خداشناسی، «نفی مطلق تشبیه» (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۷۰-۷۹) است که از «مباین خدا با خلق» (ر.ک: همان، ص ۳۲ و ۶۹) بنیاد می‌یابد. این مبنای روایی که در واقع بازنمایی عبارت «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (الشوری: ۱۱) است و در روایات متعددی از ابواب توحید و نفی تشبیه جوامع روایی مورد استناد قرار گرفته، در فهم نظریهٔ قرآن پیرامون توحید باید مورد توجه قرار بگیرد. اما در برخی از آثار مربوط به تفسیر موضوعی توحید در قرآن، ضمن بی‌توجهی به این قاعدهٔ مهم، نظریات تشبیهی، از جمله وحدت شخصی وجود به قرآن تطبیق داده شده است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ص ۸۲).

این سخن، مستلزم کنار نهادن تفسیر موضوعی نیست، بلکه تأکید بر توجه توأمان به هر دو میراث رسول خدا، یعنی قرآن صامت و قرآن ناطق است که به جز اشارت‌هایی، این رویکرد را به‌سختی می‌توان در نظریهٔ تفسیر موضوعی شهید صدر یافت.

۲- راهکار اصلاح و تکمیل استنتاج

نظریهٔ تفسیر موضوعی شهید صدر، فقط به موضوعاتی که مستقیماً از قرآن استخراج شود، اختصاصی ندارد. بلکه هر موضوعی که با هدف و رسالت قرآن و زندگی انسان مرتبط باشد، می‌توان پیرامون آن از قرآن رهنمودهایی دریافت نمود؛ در پاره‌ای از موضوعات به صورت مستقیم، خواه نفیاً و خواه اثباتاً و در پاره‌ای از موضوعات به صورت غیرمستقیم، مانند تأیید و معرفی یا نقد و ردّ چارچوب‌های مبنایی و شبکهٔ موضوعات مربوط. چنان که در موضوعات خانوادگی، مانند حریم‌های شرعی محارم و نیز روابط جنسی، و موضوعات مربوط به اموال عمومی در جامعهٔ اسلامی، از قرآن مستقیماً می‌توان مطالب فراوانی را استنباط نمود؛ اما دربارهٔ پدیده‌های نوظهوری چون مالیات و بیمه، می‌توان با یافتن شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط، چارچوب‌های مبنایی و برخی از موازین عملی را کشف نمود. اما برای آن که به دیدگاهی قابل انتساب به

قرآن دست یافت، متناسب با آسیب‌شناسی، لازم است سه مرحله دیگر در تفسیر موضوعی لحاظ شود:

۲-۱- پرسش از قرآن درباره پارادایم موضوع و مسئله

همان‌طور که بیان شد، یکی از چالش‌های تفسیر موضوعی، به‌ویژه در مواردی که اصل موضوع از یافته‌ها و نظریه‌های بشری اخذ شده، احتمال اصالت یافتن موضوع نسبت به متن قرآن است. به همین دلیل، پژوهش درباره پارادایم‌های حاکم بر نظریه‌های رقیب و کشف دیدگاه قرآن نقش مهمی در نظریه‌پردازی قرآنی دارد. به عبارت دیگر، مفسر موضوعی، همراه با بررسی موضوع و مسئله، نظام‌واره فکری و پیش‌فرض‌های پنهان در پیدایش موضوعات مستحدث و نظریه‌های رقیب را شناسایی و به محضر قرآن عرضه می‌نماید و دیدگاه مستقل قرآن در این‌باره را در استنباط خویش لحاظ می‌کند. به عنوان مثال، قرآن پژوهی که بخواهد به بررسی موضوع بانک از دیدگاه قرآن بپردازد، لازم است بنیان‌های نظری مربوط به «ثروت و مال»، «چیستی پول و اعتبار»، «امکان و جواز ارزش‌گذاری و اعتباربخشی به حقایق غیر عینی» و «جایگاه انسان در تعاملات مالی» و... هم از جهات ثبوتی و هم از جهات اثباتی مورد توجه قرار گیرد (ر.ک: صدر، ۱۴۰۳ق، ص ۲۱۱-۲۳۰). طبیعتاً پژوهشگری که بدون توجه به خاستگاه بانک و مبانی اومانستی و پیش‌فرض‌های لیبرالی حاکم بر آن، صرفاً «ورود ربا در معاملات» را مورد توجه قرار دهد، در دستیابی به نظریه قرآن ناکام خواهد بود.

۲-۲- دلالت پژوهی جامع از طریق مطالعه عمیق آیات و سیاق‌ها

همان‌طور که در چالش دوم تفسیر موضوعی بیان شد، علاوه بر گردآوری و دلالت‌یابی دقیق آیاتی که مستقیماً درباره موضوع و مسئله تحقیق سخنی دارند، می‌توان در بسیاری از آیات نیز دلالت‌هایی را به صورت غیر مستقیم یافت. به عبارت دیگر، اکتفا به کلیدواژه‌ها و فرمول‌های کشف آیات مرتبط با موضوع، ممکن است باعث غفلت از آیات فراوانی شود که هر چند مستقیماً بر اساس کلیدواژه‌ها و مفاهیم محوری ادبیات تحقیق و معادل‌یابی قرآنی از کاربرد مناسب برخوردار نیستند؛ اما ممکن است به صورت غیر مستقیم، از راه‌هایی مانند: «توصیف یا تبیین پارادایم حاکم بر موضوع و مسئله» و «آسیب‌شناسی مسائل پیرامون موضوع» در کشف نظریه قرآن مؤثر باشند. اگر نسبت به این موارد، غفلت یا بی‌توجهی شود، محقق نمی‌تواند مدعی دستیابی به نظریه قرآن باشد. راه حل پیشگیری از این امر، مطالعه جامع و عمیق همه آیات و سیاق‌های قرآن و دلالت‌یابی مفاهیم آن‌ها در حیطه موضوع مورد نظر است.

این عملیات نیز یک عملیات پرسشگرانه و پس از پیدایش تصور اجمالی درباره موضوع صورت می‌گیرد و محقق حداقل با این پرسش عمومی که: «این آیه/سیاق/سوره چه دلالت‌هایی درباره موضوع دارد؟» به سراغ یکایک آیات می‌رود

و بر اساس انواع روش‌های فهم و تفسیری، کلیه موارد مرتبط با موضوع را استخراج می‌کند. قرآن پژوه با مطالعه ترتیبی آیات و سوره‌ها (خواه بر اساس ترتیب نزول و خواه بر اساس ترتیب تدوین) می‌تواند دلالت پژوهی جامعی را تحصیل کند. ممکن است بسیاری از یافته‌های این مرحله در تدوین نظریه نهایی کارآیی چندانی نداشته باشند؛ اما تا حدود زیادی می‌تواند ذهن پژوهشگر را از برداشت‌های ناصواب بازدارد.

۳-۲- بررسی هدفمند و جامع روایات مربوطه

با توجه به چالش سوم تفسیر موضوعی، یعنی فقدان توجه دقیق به جایگاه اهل بیت، به نظر می‌رسد که راهکاری جز مراجعه دقیق و جامع به روایات نیست. با توجه به گستره روایات، قرآن پژوه در این مرحله با توجه به یافته‌های اساسی مراحل قبلی، کلیدواژه‌ها و مفاهیم اساسی و نیز واژگان کلیدی آیات محوری، روایات مرتبط با موضوع را بررسی کرده و دلالت‌های آن‌ها را می‌یابد. روایات مرتبط عبارت‌اند از:

روایات تفسیری مستندات قرآنی که بیانگر معنا و مصداق واژگان آیه، یا مفاد و لوازم و نتایج آیات، یا روایات تأویلی و باطنی، روایات تبیین مصادیق الفاظ و عبارات و نیز روایات مربوط به اصلاح برداشت‌ها و باورهای مردم درباره آیات است (ر.ک: نفیسی، ۱۳۸۴ش، فصل سوم). این دسته از روایات، ناظر به متن آیات قرآن است و برداشت صحیح از آیات را می‌سازد.

الف) روایات توسعه و تعمیم‌دهنده مفاد ظاهری آیات. به عبارت دیگر، آیات قرآن تحمل توسعه معنایی الفاظ و مفاهیم را دارند و با تکیه بر قرائن دقیق و متقن می‌توان مفاهیم و مصادیق گسترده‌ای را استنباط نمود. کارکرد اصلی این گونه روایات در امور و مسائل مستحدثه‌ای است که برای آن‌ها نمی‌توان معادل‌های لفظی معینی را یافت؛ تا جایی که برخی گمان می‌کنند قرآن نسبت به این موضوعات، ساکت است. به عنوان مثال، تعبیر «قول الزور» که در آیه سی‌ام سوره حج به کار رفته، ناظر به سخن و الفاظی است که در مقام گفت‌وگو بین انسان‌ها تبادل می‌شود؛ اما در روایتی از امام صادق (ع) مفهوم «غناء» و «موسیقی حرام» را به عنوان مصداق قول الزور مطرح نموده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۳۱) که این، نوعی توسعه در معنای «قول» برای اشتغال «اصوات» ذیل آن است. مفاد این روایت، باب پژوهش «موسیقی در قرآن» را به روی قرآن پژوهان می‌گشاید؛ در غیر این صورت، مطابق گمان‌های عامیانه، باب پژوهش در این حوزه محدود به روایات است.

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (الحج: ۳۰) قَالَ: الْغِنَاءُ.

ب) روایات مرتبط با احکام اخلاقی و عملی مربوطه و سنت‌های عملی امامان در مواجهه با موضوعات مرتبط. بخش زیادی از روایاتی که به صورت غیر مستقیم می‌تواند موضوع پژوهش را تبیین کند، روایات ناظر به احکام اخلاقی و عملی پیرامون موضوع است. همان‌طور که استخراج احکام با مراجعه روشمند به روایات امکان‌پذیر است، همین روایات به عنوان حجت مستقل و البته غیر انحصاری (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۱۰۵) می‌تواند مکمل دریافت پژوهشگران از دیدگاه قرآن نسبت به موضوع باشند.

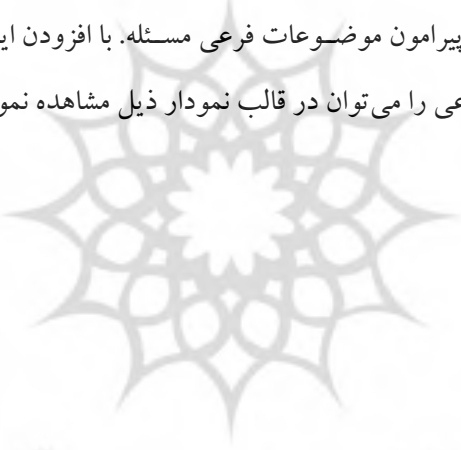
در موضوع ازدواج، با مراجعه به قرآن، صرفاً کلیاتی مانند ممنوعیت ازدواج مؤمن با مشرک و زناکار و یا ضرورت مهریه و... فهمیده می‌شود؛ اما این که در امر ازدواج چه فرایندی باید صورت گیرد، مانند وجوب عقد و صیغه آن، اذن پدر و... استنباط نمی‌شود. با مراجعه به این جزئیات که در روایات بیان شده، ضمن کشف مقیّدات، تخصیص‌ها، رخصت‌ها و عزائم، می‌توان مدالیل آیات مربوطه را بهتر فهمید. در این باره برخی از روایات فحش و ناسزا که مستقیماً به ازدواج مربوط نیست، گویای این است که در سنت‌های عملی معصومان، فحاشی به ناموس افراد غیر مسلمان، اعم از پیروان ادیان آسمانی و غیر آن‌ها به مثابه کذف تلقی و حتی منجر به قطع ارتباط معصوم با فرد گنهکار شده است؛ زیرا هر جامعه‌ای درباره ازدواج، سنتی دارد که اگر به آن عمل کند، از زنا مبرا است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۴). با قرار دادن این موضوع در کنار روایاتی که در ابواب فقهی جوامع روایی، روابط جنسی دختر باکره بدون اذن پدر را جایز معرفی می‌کند (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۲-۳۵)؛ قرآن پژوه می‌تواند با نگاه دقیق‌تری به تفسیر موضوع «روابط نامشروع جنسی در قرآن» پردازد که این امر، علاوه بر رفع انسداد در باب «روش‌های مشروع ازدواج در سنت‌های جوامع مختلف»، دیدگاه‌های روزآمدی در این باره مطرح می‌نماید.

نتیجه‌گیری

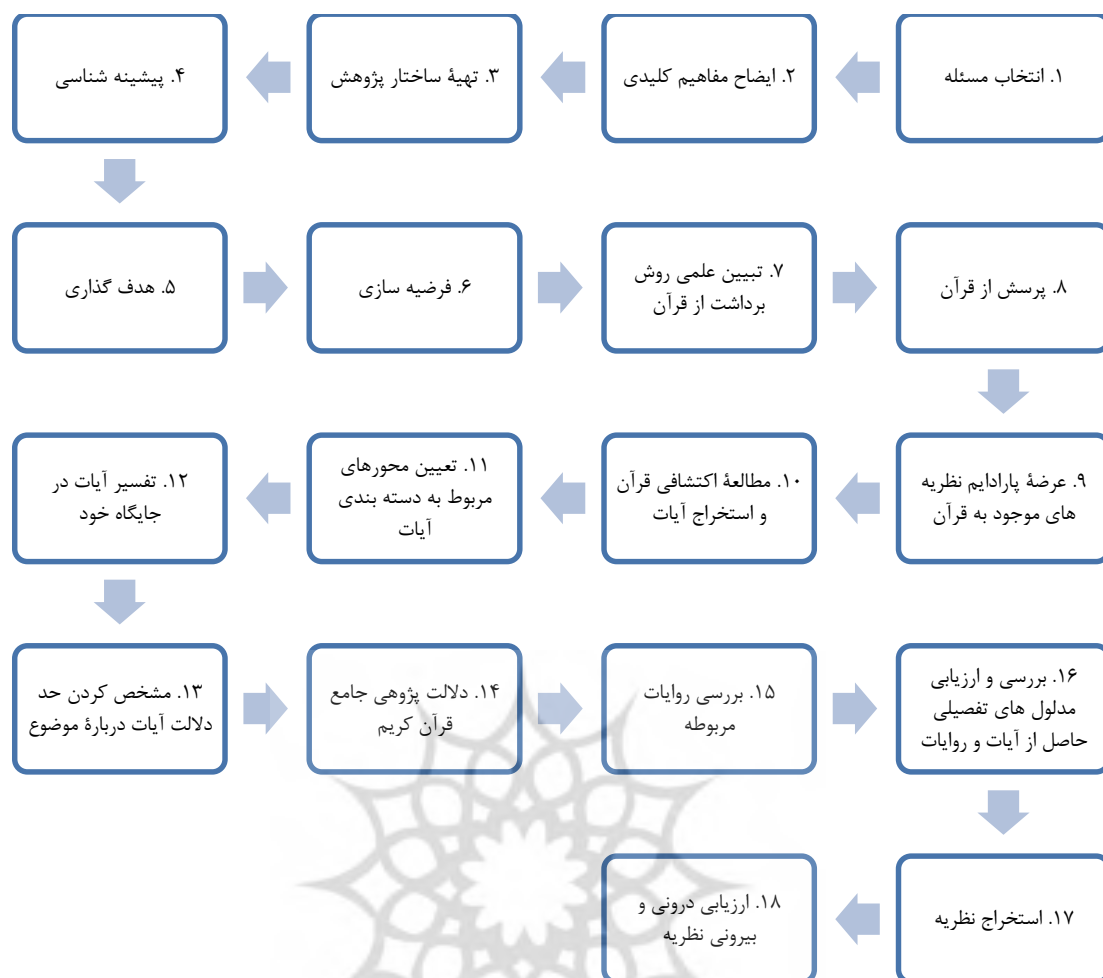
مجموعه فرایند استنباط نظریه قرآن درباره موضوعات مختلف یا تفسیر موضوعی از دیدگاه شهید صدر را می‌توان در دو بخش «اقدامات پژوهشی نظریه‌پردازی» و «قرآن‌پژوهی به منظور کشف نظریه قرآن» دسته‌بندی کرد که برای دریافت دیدگاه قرآن، لازم است از روش استنتاج استفاده شود که مفسر موضوعی، ضمن اتخاذ اصول و قواعد عام تفسیری، با پرسش از قرآن به استخراج داده‌های قرآنی و مدلول‌های تفصیلی می‌پردازد. به‌رغم این ظرفیت بی‌بدیل، به دلیل نقصان در سه حوزه انتقال موضوع به محضر قرآن، عدم مراجعه به همه قرآن برای کشف همه دلالت‌های قرآنی درباره موضوع،

۱. اشاره به «بَابُ حُكْمِ التَّمَتُّعِ بِالْبِكْرِ بَعْدَ إِذْنِ أَيْهَا» در «کتاب النکاح» وسائل الشیعه؛ که در آن چهارده روایت ذکر شده و از این روایات، شش مورد، ازدواج موقت با دختران باکره را بدون اجازه پدر دختر، به طور کلی منع کرده است. اما در هشت مورد دیگر، ازدواج موقت با دختر باکره بدون اجازه پدرش را مشروط به حفظ بکارت دختر جایز دانسته‌اند.

و روشن نبودن جایگاه عترت در تفسیر موضوعی، (با توجه به مبنای جدایی‌ناپذیری قرآن و عترت) مشاهده می‌شود که بهره‌برداری شایسته‌ای از این روش صورت نمی‌گیرد. با وجود تلاش‌های محققانی که سعی در طراحی عملیاتی و یا ارائه مدل‌های گام به گام برای پیاده‌سازی نظریه‌پردازی قرآنی بر مبنای روش تفسیر موضوعی نموده‌اند، همچنان این خلأها برطرف نشده که این امر ناشی از فقدان آسیب‌شناسی دقیق نسبت به چالش‌های اساسی تفسیر موضوعی است. آنچه در خوانش‌های انتقادی استطاق مطرح شده، ناظر به عدم کاربست مراحل است که شهید صدر آن‌ها را مطرح نموده است. با توجه به آسیب‌شناسی صورت گرفته، سه مرحله به تفسیر موضوعی افزوده می‌شود که عبارت‌اند از: ۱- عرضه پارادایم حاکم بر نظریه‌های رقیب به محضر قرآن و اطلاع از دیدگاه قرآن درباره آن. ۲- دلالت‌پژوهی جامع قرآنی و عدم اکتفا به آیاتی که کلیدواژه‌ها یا فرمول‌های قرآن‌پژوه درباره موضوع مورد نظر در آن‌ها به کار رفته است؛ یعنی مطالعه همه آیات به منظور استخراج دلالت‌های پنهانی پیرامون مسئله یا موضوع دارند. ۳- بررسی روایات مرتبط با موضوع در سه حوزه: روایات تفسیری ذیل آیات کلیدی موضوع؛ روایات توسعه‌دهنده مفاد ظاهری آیات؛ و روایات مرتبط با سنت‌های امامان و احکام اخلاقی و عملی مربوطه پیرامون موضوعات فرعی مسئله. با افزودن این مراحل به آثار موجود در تفسیر موضوعی، ساختار کامل‌تر تفسیر موضوعی را می‌توان در قالب نمودار ذیل مشاهده نمود:



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی جامع‌علوم انسانی



منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
۱. اکبری، رضا و محمد حسن شیرزاد و محمدحسین شیرزاد. (۱۳۹۳ش)، «بازخوانی نظریه شهید صدر در تفسیر موضوعی قرآن با تکیه بر اندیشه هرمنوتیکی گادامر»، **دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث**، شماره ۱۵، صفحات ۳۷ تا ۶۱.
 ۲. ایازی، سید محمدعلی، (۱۳۸۳ش)، «تفسیر موضوعی از نگاه شهید صدر»، **فصلنامه پیام جاویدان**، شماره ۲، صفحات ۳۵ تا ۴۸.
 ۳. ایزدی، مهدی و زهره اخوان. (۱۳۹۲ش)، «ضرورت، ماهیت و روش استنتاج از منظر روایات اهل بیت (ع)»، **دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث**، شماره ۱۲، صفحات ۱۰۳ تا ۱۲۶.
 ۴. آشوری، داریوش. (۱۳۵۷ش)، **تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ**، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
 ۵. باقری، خسرو. (۱۳۸۷ش)، **هویت علم دینی**، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۶. بسیج، احمدرضا. (۱۳۹۵ش)، «فرهنگ اسلامی در تقابل با نسبیّت فرهنگی»، **دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم**، شماره ۱۴، صفحات ۷-۲۷.
 ۷. بهمنی، سعید. (۱۳۹۷ش)، **نظریه پردازی قرآن بنیان: رهیافت‌های توسعه روش نظریه پردازی قرآن بنیان سید محمدباقر صدر**، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۸. بهمنی، سعید. (۱۳۹۹ش)، «خوانش انتقادی استنتاج و کاربست آن در نظریه شهید صدر»، **فصلنامه پژوهش‌های قرآنی**، شماره ۹۵، صفحات ۲۹-۴۸.
 ۹. بیتس، دانیل. (۱۳۷۷ش)، **انسان شناسی فرهنگی**، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی.
 ۱۰. بیدی، رضا و سهراب مروتی و رضا محمدی چابکی. (۱۳۹۹ش)، «فهم مسأله محور قرآن کریم مبتنی بر رویکرد سازه گرایی واقع گرایانه»، **فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، شماره ۴۵، صفحات ۳۱-۶۲.
 ۱۱. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۹ش)، **فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو**، چاپ اول، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
 ۱۲. جلیلی، سید هدایت. (۱۳۷۲ش)، «وزن ادله معارض تفسیر موضوعی در میزان نقد»، **فصلنامه مصباح (علوم انسانی دانشگاه امام حسین)**، شماره ۸، صفحات ۸۷ تا ۱۰۰.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵ش)، **هدایت در قرآن (تفسیر موضوعی: جلد اول)**، تحقیق و تنظیم: علی عباسیان، چاپ دوم، قم: اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ش)، **توحید در قرآن (تفسیر موضوعی: جلد دوم)**، تنظیم: حیدرعلی ایوبی، چاپ سوم، قم: اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۷۹ش)، **تسنیم**، تحقیق و تنظیم: علی اسلامی، چاپ دوم، قم: اسراء.
۱۶. حسن بیگی، ابراهیم. (بهار ۱۳۹۰ش)، «بررسی عوامل مؤثر بر صیانت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۵۸، صفحات ۳۳۵-۳۶۶.
۱۷. حکیم، سید محمدباقر. (۱۳۸۷ش)، **جامعه انسانی از دیدگاه قرآن کریم**، ترجمه: موسی دانش، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۸. سروری مجد، علی. (۱۳۹۱ش)، «ابعاد فرهنگ در جامعه آرمانی قرآنی»، **فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات**، شماره ۱۸، صفحات ۸۳-۱۱۱.
۱۹. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۰۳ق)، **الاسلام یقود الحیاه**، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۰۹ق)، **المدرسه القرآنیة: التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم**، بیروت: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۲۱. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۲۱ق)، **دروس فی علم الاصول**، بیروت: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۲۲. صفره، حسین و منصور پهلوان و مجید معارف. (۱۳۸۹ش)، «استنتاج قرآن»، **دوفصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث**، دوره ۴۳، شماره ۱، صفحات ۱۳۹ تا ۱۶۳.
۲۳. طباطبایی. سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، بیروت: مؤسسه اعلمی.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ش)، **التفسیر**، تحقیق و تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران: المطبعة العلمیة.
۲۵. غلامی، لیلا و حسین علوی مهر. (۱۳۹۰ش)، «چیستی تفسیر موضوعی و تفاوت آن با تفسیر قرآن به قرآن»، **فصلنامه مطالعات تفسیری**، شماره ۸، صفحات ۸۵ تا ۱۰۰.
۲۶. فرهادی محلی، علی. (۱۳۹۰ش)، «بررسی تحلیلی پدیده جهانی شدن با تمرکز بر حوزه فرهنگ»، **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی**، شماره ۵، صفحات ۶۳-۹۶.
۲۷. قاسم‌پور، محسن و مرتضی سلمان‌نژاد. (۱۳۸۹ش)، «اعتبارسنجی و روش‌شناسی اولین مستدرک نهج البلاغه»،

دوفصلنامه حدیث پژوهی، شماره ۱۲، صفحات ۶۵ تا ۹۴.

۲۸. قرائی سلطان آبادی، احمد. (۱۳۹۴ش)، «فهم قرآن در پرتو نظم شبکه‌ای یا فراخطی آن»، **دوفصلنامه**

پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۷، صفحات ۴۱ تا ۶۰.

۲۹. کریمی، مصطفی. (۱۳۸۹ش)، «ماهیت تفسیر موضوعی»، **دوفصلنامه قرآن‌شناخت**، شماره ۶، صفحات ۱۰۵ تا ۱۳۰.

۳۰. کریمی، مصطفی. (۱۳۹۸ش)، «فرایند نظریه‌پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی»، **دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث**، شماره ۲۵، صفحات ۱۸۹ تا ۲۱۷.

۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، تصحیح: محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۲. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی. (۱۳۸۹ش)، **روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم**، چاپ سوم، زنجان: دانشگاه آزاد اسلامی زنجان.

۳۳. مذبوحی، سعید و حسن ملکی. (۱۳۹۱ش)، «الگوی مطلوب فرهنگ دانشجویی در قرآن»، **فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، شماره ۲، صفحات ۱۴۹-۱۶۸.

۳۴. مزینانی، ابوالفضل و علی علیزاده، و علیرضا آزاد. (۱۳۹۷ش)، «تحلیل گفتمان موضوعی: تلفیقی از رویکرد گفتمانی-تاریخی و تفسیر موضوعی قرآن کریم»، **دوماهنامه جستارهای زبانی**، شماره ۴۵، صفحات ۱ تا ۳۳.

۳۵. میرسندسی، سیدمحسن. (۱۳۹۹ش)، «عوامل مؤثر بر هنجارسازی فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم»، **دوفصلنامه آموزه‌های قرآنی**، دوره ۱۷، شماره ۳۲، صفحات ۹۵ تا ۱۱۸.

۳۶. نفیسی، شادی، (۱۳۸۴ش)، **علامه طباطبایی و حدیث (روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان)**، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۷. یساقی، علی اصغر و سیدمحمدعلی ایازی. (۱۳۸۹ش)، «تحلیل مبانی و رویکرد شهید صدر به تفسیر موضوعی»، **فصلنامه فقه و تاریخ تمدن**، شماره ۲۵، صفحات ۱۹۶ تا ۲۱۷.

References

- The Holy Qur'an.
Nahj al-Balagha.
1. Akbari, Reza; Shirzad, Mohammad Hassan; Shirzad, Mohammad Hossein (2013), "Rereading the theory of Martyr Sadr in the thematic interpretation of the Qur'an based on Gadamer's hermeneutic thought," *Studies of the Qur'an and Hadith*, 15: pp. 37-61.
 2. Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (2013), "Thematic interpretation from the point of view of Martyr Sadr," *Payam-e Javidan* 2: pp. 35-48.
 3. Izadi, Mehdi and Akhavan, Zohreh (2013), "The necessity, nature and method of istintāq from the perspective of Ahl al-Bayt (AS)' traditions," *Bi-Quarterly Journal of Qur'an and Hadith Studies*, 12: pp. 103-126.
 4. Ashouri, Dariush (1978), *Definitions and Concept of Culture*, Tehran: Asian Cultural Documents Center.
 5. Baqeri, Khosrow (2008), *Identity of Religious Science*, second edition, Tehran: Printing and Publishing Organization of Ministry of Culture and Islamic Guidance.
 6. Basij, Ahmadreza (2016), "Islamic culture in contrast with cultural relativism," *Studies of Soft Power*, 14: 27-7.
 7. Bahmani, Saeed (2018), *Qur'an-based Theorizing: Approaches to the Development of the Qur'an-based Theorizing Method of Seyyed Mohammad Baqer Sadr*, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
 8. Bahmani, Saeed (2019), "A critical reading of istintāq and its application in the theory of Martyr Sadr," *Qur'anic Research Quarterly*, 95: 29-48.
 9. Bates, Daniel (1998), *Cultural Anthropology*, Persian Translation: Mohsen Thalathi, 6th edition, Tehran: Scientific Publications.
 10. Bidi, Reza; Morovati, Sohrab; Mohammadi Chaboki, Reza (2020), "Problem-based understanding of the Qur'an, based on the realist constructivist approach," *Journal Qur'an and Hadith Sciences Research*, 45: 31-62.
 11. Jafari, Mohammad Taqi (2000), *Following Culture, Pioneering Culture*, Tehran: Institute of Compilation and Publication of Works of Allameh Jafari.
 12. Jalili, Seyyed Hedayat (1993), "Critique of the weight of evidence against the thematic interpretation," *Misbah Quarterly (Humanities of Imam Hossein University)*, 8: 87-100.
 13. Javadi Amoli, Abdullah (2000), *Tasnim Commentary*, Researched by Ali Eslami, Second Edition, Qom: Isra.
 14. Javadi Amoli, Abdullah (2006), *Guidance in the Qur'an (thematic interpretation:*

- first volume), Researched by Ali Abbasian, Second Edition, Qom: Isra.
15. Javadi Amoli, Abdullah (2007), Tawheed in the Qur'an (thematic commentary: second volume), Compiled by Heydar Ali Ayoubi, third edition, Qom: Isra.
 16. Hasanbeigi, Ebrahim (2011), "Studying the factors affecting cultural security in the Islamic Republic of Iran," Strategy Quarterly, 58: pp. 335-366.
 17. Hakim, Sayed Mohammad Baqer (2008), Human society from the perspective of the Holy Qur'an, Persian Translation: Musa Danesh, Mashhad: Astan Quds Razavi.
 18. Sarvari-Majd, Ali (2012), "Dimensions of culture in the Qur'anic ideal society," Culture-Communication Studies Quarterly, 18: pp. 111-83.
 19. Sadr, Sayed Mohammad Baqer (1403 AH), Al-Islam Yaqūd al-Hayāt, Second Edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
 20. Sadr, Sayed Muhammad Baqir (1409 AH), Al-Madrasat al-Qur'ānīyah: Al-Tafsīr al-Mawdū'ī lil-Qur'an al-Karīm, Beirut: Center for Research and Specialized Studies of Martyr al-Sadr.
 21. Sadr, Sayed Mohammad Baqer (1421 AH), Durūsun fī 'Ilm al-'Usūl, Beirut: Center for Research and Specialized Studies of Martyr al-Sadr.
 22. Safrah, Hossein; Pahalvan, Mansour; Ma'aref, Majid (2010), "Istintāq in the Qur'an," Studies of the Qur'an and Hadith, 43(1): pp. 139-163.
 23. Tabataba'i Sayed Muhammad Hossein (1417 AH), Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an, Beirut: Al-'A'lamī Institute.
 24. Ayāshī, Mohammad bin Mas'ūd (2001), Al-Tafsīr, Researched by Sayed Hashem Rasouli Mahalati, Tehran: Scientific Printing House.
 25. Gholami, Leila and Alavi-Mehr, Hossein (2011), "The identity of thematic interpretation and its difference with the Qur'an-by-Qur'an interpretation," Tafsir Studies Quarterly, 8: pp. 85-100.
 26. Farhadi Mahali, Ali (2011), "Analytical study of the globalization phenomenon, focusing on the field of culture," Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy, 5: 63-96.
 27. Qasempour, Mohsen and Salmannejad, Morteza (2010), "Validation and methodology of the first mustadark of Nahj al-Balagha," Hadith Research, 12: pp. 65-94.
 28. Qara'i Soltanabadi, Ahmed (2015), "Understanding the Qur'an in the light of its network-based or extra-linear order," Bi-Quarterly Journal of Linguistic Research of the Qur'an, 7: 41-60.
 29. Karimi, Mostafa (2010), "Nature of thematic interpretation," Qur'an Knowledge, 6: pp.105-130.
 30. Karimi, Mostafa (2019), "The process of Qur'anic theorizing in the field of

- thematic interpretation,” *Studies of Qur’an and Hadith*, 6: 105-130.
31. Kulainī, Muhammad bin Yaqūb (1407 AH.), *Al-Kāfi*, Edited by Ghaffari and Akhundi, 4th edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīyah.
 32. Lesani Fasharaki, Mohammad Ali and Moradi Zanjani, Hossein (2010), *Thematic Research Method in the Holy Qur’an*, Third Edition, Zanjan: Islamic Azad University of Zanjan.
 33. Mazbouhi, Saeed and Maleki, Hassan (2012), “The desirable model of student culture in the Qur’an,” *Culture in Islamic University*, 2: pp. 149-168.
 34. Mazinani, Abolfazl; Alizadeh, Ali; Azad, Alireza (2018), “Thematic discourse analysis: a synthesis of discourse-historical approach and thematic commentary of the Holy Qur’an,” *Bimonthly Journal of Linguistic Studies*, 45: pp. 1-33.
 35. Mirsondosi, Seyed Mohsen (2020), “Factors affecting cultural norming from the perspective of the Holy Qur’an,” *Qur’anic Teachings*, 32: pp. 95-118.
 36. Nafisi, Shadi (2005), *Allameh Tabataba’i and Hadith (methodology of criticism and understanding of Hadith from the perspective of Allameh Tabataba’i in Al-Mizan)*, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
 37. Yasaghi, Ali Asghar and Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (2010), “Analysis of the foundations and approach of Martyr Sadr to thematic interpretation,” *Jurisprudence and History of Civilization*, 25: pp. 196-217.